

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

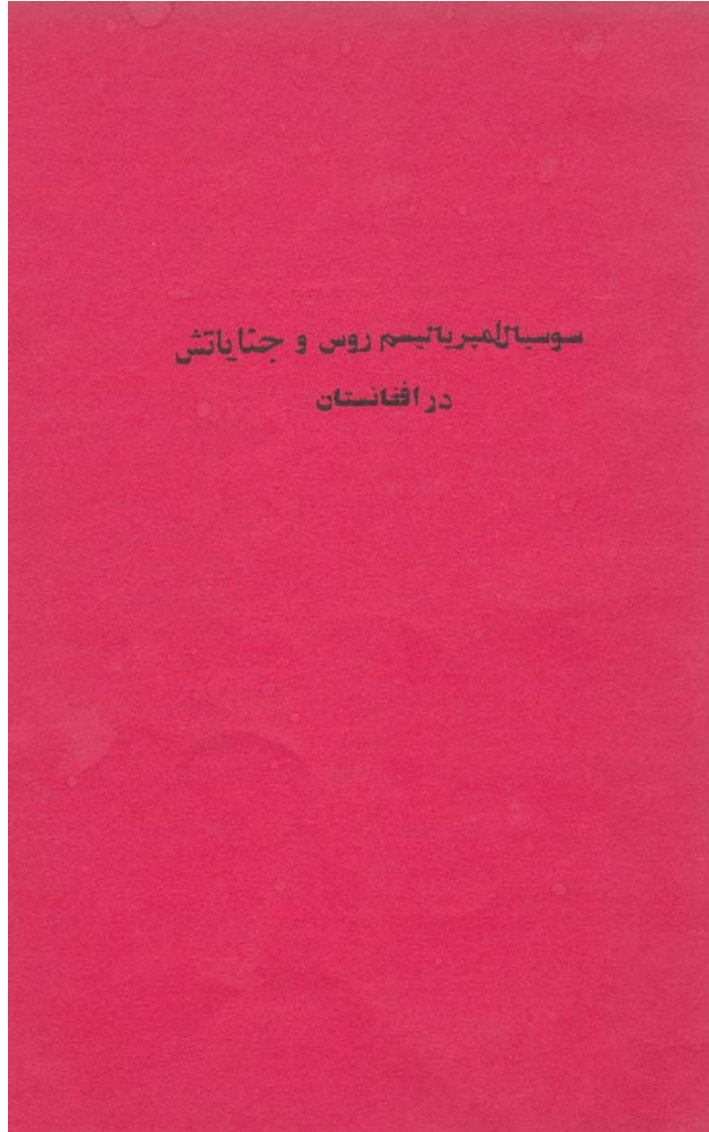
چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D	آرشیف اسناد جنبش انقلابی
---------	--------------------------

نویسنده: زنده یاد عینعلی بنیاد
فرستنده: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۰۷ نومبر ۲۰۱۴



مبارزات قهرمانانه روشنفکران افغانستان بجهنم اسلا
میلاب تندی افرید که ظلم سکوت را در روز سم عقرب سلال
(۱۳۴۴) درهم شکست و نوای ازاد یخواهی را بگوش‌ها طنین افکند:
سم عقرب حما سه ای بود پر فروغ که نورش پیده ظلمت درید
و نمود فرد ای روشن شد . اری سم عقرب که روشنگر راه مبارزات مردم
گردید، چراغش بهمت شهد ای بخون خفته خلق بر افروخته شد
که خاطر تا بناك شهادتشان در همه قلبهائیکه بخاطر ازادی می
تپد، جاودانه باقیست .

از ان به بعد تاریخ مبارزات مردم وارد مرحله نونی گردید که جویبارش
خروشان به پیش می‌رود، گردد و خاشاک را از مسیرش کنار می‌زند .
از ان به بعد توفانها می‌سرد، جرقه‌ها شعله می‌افروزد، بادها
تند و تند تر می‌وزد، کاروانها به مشرق می‌روند - چرا که طلیعه ای
فردای روشن است . محمل امال زحمتگان شتابنده میشود - چرا که
پهیده در حال دیدن است .

بنا* سی از حما سه سم عقرب هوا داران اتحادیه عمومی استادان
محصیلین و دانشجویان افغانی در امریکا نثره حاضر را تقدیم هموطنان گرامی میکند ،
تا باشد که مبارزات روزنده شان را در سرنگونی دولت تره کی شور و شوق فزونی بخشند

انقلاب ۱۹۱۷ اکتوبر روسیه برهبري طبقه کارگر انکسورضریت ندیدی بود که بر پیگیر بورژوازی بین الطلی وارد اورد. ازا واتیکه پرچم سرخ انقلاب بدست طبقه کارگر روسیه باهتزاز درآمد، بورژوازی بین الطلی سخت در هراس بود. مبارزات خلقهای جهان در مقابل بورژوازی منیع الهام جدیدی یافت. پیروزی انقلاب در روسیه ثابت ساخت که طبقه کارگر میتواند نقش دوران ساز خود را در تکامل تاریخ بشریت ایفا نماید. پروتاریای کشورهای سرمایه داری بحقیقت مبارزات خوشحالی برده و به پیروزی ان ایمان عمیقترن پیدا کردند مشعل مبارزات خلقهای جهان در مقابل یوغ استعمار و امپریالیسم روز تا روز نیروان تر گردید. توطیه های ارتجاع بین الطلی در مقابل رهبرین خرد مندانه حزب پیرومند طبقه کارگر روسیه نقش بر آب شد. تجربه آموزی انقلاب بیون روسیه از شکست کون پاریس و رهبری خلا قانه خلق در انقلاب سرانجام بورژوازی بین الطلی را مجبوریه قبول واقعیت پیروزی طبقه کارگر روسیه بر بورژوازی کرد. ارتجاع بین الطلی از همان آغاز پی برد هرگاه خلقها در مبارزه با مرتجعین سلاح برنده ایدیولوژی انقلابی خود را بکار برند پیروزی خلقها بر ارتجاع امرن است حتمی. منجمله بورژوازی شکست خورده روس که از انقلاب اکتوبر زخم التیام ناپذیر برداشت شایدانه در پی انتقام بود تا خلق ازاد شده را دوباره در بند دیکتاتورن خوشگسانده و زحمتکشان را از سلاح شان محروم سازد. اری این حمله علیه دولت جوان پروتاریلی روس درست از درون حزب صورت میگردد. خروش این ننگ تاریخ با کودتای درون حزبی رهبری حزب را بدست گرفت، باصول انقلابی پشت پا زد و بر انقلابیون بلند همت عصر یازدن گرفت. خروش مرتدبایان مرتجعین بین الطلی زرشعار اندیشه انقلابی برضد اندیشه انقلابی و انقلابیون سترک دست بیمارزه زد. بنام اندیشه انقلابی تزهان من در اوری خود را که از زراد خانه بورژوازی بین الطلی بمعاریت میگرفت عرضه و ما هیت ارتجاعي خود را اشکار کرد. سرانجام خروش قلب ما هیت شده با دارو دسته اش ما هیت حزب پر افتخار پروتاریای روس را بحزب سرمایه داری انحصاری بیروکراتیک تبدیل کرد.

این حمله خروشف و دنباله روان معاصرترن که بمزاج ارتجاع بین المللی جور درآمد مورد پذیرش و استقبال سیاه ترین حلقه های بین المللی قرار گرفت. از امپریالیتهای امریکائی گرفته تا نوکران شان در اقصی نقاط جهان از آن بیبمد تمایلات شوروی پیدا کردند چه خروشف نه تنها تکیه گاه مطمئن شان گردید بلکه روزی نیز خروشفی پا سخگوی نیازمندیهای شان در آموزش بارز بر ضد خلق شد که در مکتب ان شاگردانی بی شمار اسم نوشتند. از انجمله دولت ظاهر شاه خائن بعد از چیره شدن روزی نیز خروشفی در کشور شورایا با وجود وابستگی کاملش با امپریالیسم امریکا و بمورژوازی غرب تمایلات شوروی پیدا کرده انرا کشور " همکار " " برادر " و " دوست " خوانده و در پی توسعه مناسبات اقتصادی - سیاسی همکاری متقابل و دید وادید های مثبت های حسن نیت و بالاخره ساعت سفر خروشف با افغانستان گردید. ظاهر شاه خائن پس از علم اوری و آزمایش دندان زهرن خروشف که او را از قاتل خود یافت با اعتماد کامل دروازه های کشور را بروی کالا های روسی باز کرد.

بمورژوازی روس که در زیر سلطه " دیکتاتورن حزبیطیفه کارگر از رشد باز مانده بود با غضب قدرت بعد از کودتای خروشف با حرص و ولع خاص در صد تسخیر مارکیتهای جدید شد تا در رقابت با امپریالیتهای امریکائی و غربی عقب نمانده باشد. سرمایه هلی دولت سوسیال امپریالیستی روس روز تا روز در پروژه های کشاورتی - استخراج معدن - پروژه های تحقیقات باستانشناسی - خانه سازی - پروژه های عمرانی و پروژه هلی سرن سازی سرا زب شد. دولت خائن ظاهر شاه شریان هلی مع اقتصادن کشور را بدست دولت روس تسلیم و افغانستان را مارکیته بنجل های روسی ساخت.

ظاهر شاه روز تا روز در عین وابستگی اش با امپریالیتهای امریکائی و غربی از حمایت بمورژوازی روس نیز خود را برخوردار ساخت. سوسیال امپریالیتهای روسی برای جلب اعتماد دولت ظاهر شاه ارتش فیودالی را با سلاحان فرسوده جنگ عموسی دم که جز برای سرکوب خلق از ان استفاده دیگری نمیتوانست صورت گیرد تجهیز کرد. ظاهر شاه در ازان خدمت دولت شوروی در راه تحکیم دولت ارتجاعي خوش امتیاز استخراج گاز را بانها واگذار و قرار داد فروش انرا بنسختیک بر سهیم قیمت بین المللی برای مدت بیست سال عقید کرد. سوسیال امپریالیتهای روس تا حال سالانه ملیارد ها متر مکعب گاز افغانستان را دزدیده و انرا ب قیمت بلند تر از نرخ بین المللی بالای اتمار ارضاتی خود بفروش میرساند.

جالب‌تر اینکه دستگاه گاز سنج در داخل خاک شوروی نصب‌گردیده که افغانها را از نظارت بر مقدار گاز صادر شده محروم کرده است. در واقع دولت‌خاین شوروی در این معامله خود کوزه گسر و کوزه خر و کوزه فروش است که هر مقدار گاز را به هر قیمتی خواسته از دولت‌های افغانستان منجمله دولت‌تره کی بدست آورده و ثروت خلق بی لباس بی مسکن بی اب و نان و محروم از ابتدائی‌ترین حقوق مدنی را بتاراج می‌برند.

دولت فاشیستی سرمایه داری بیسروکراتیک روسیه با تجمع ارزش‌اضافی و استعمار خلق روسیه و سایر خلق‌های جهان سرمایه‌های هنگفتی بچنگ آورده که با صدور آن در کشور‌های عقب‌نگهداشته شده سود بیشتری از خون و عرق زحمتکشان بچییب بیسروکرات‌های کرملن نشین می‌ریزد. امپریالیسم نوپاخاسته شوروی برای رقابت با امپریالیست‌های دیگر بر سر تسخیر مارکت‌های جهانی اینک با قبلی سوسیالیسم سرمایه‌های خود را بسود نازل‌تر از سایر کشور‌های امپریالیستی دیگر صادر کرده تا از یکطرف ما هیت امپریالیستی خود را پوشانده و از جانبی سرمایه‌های خود را برای چپاول هرچه بیشتر خلق‌ها توسعه دهد. دولت‌ظاهرها پروژۀ فام‌کساروزی هده (فام‌مالتۀ وزیتون ولایت‌تنگرها) را بسرمایه‌گذاری روسیه اعمار و فروش محصولات انرا قرار داد بیست‌ساله بقیمت ثابت با دولت‌خند خلقی شوروی عقد نمود. دارودسته کرملن نشین علاوه بر اینکه ملیونها افغانی خلق افغانستان را از درک معاش‌مخصصین روسی ه فروش وسایل تخنیک‌کی برای اعمار فام‌بچییب‌زدند، با ضام قرار داد خائشانۀ ان امتیاز خریداری محصولات فام‌را برلی مدت بیست‌سال بقیمت یک و نیم الی دو افغانی در مقابل یک پوند مالتۀ که حاصل عمده فام است از دولت‌ظاهرها بدست آوردند. خوانندگان توجه کنند که سرمایه‌های روسی مانند سرمایه سایر کشور‌های امپریالیستی با انحصار خریداری محصولات فام بقیمت یک بر هتم آنچه که مردم افغانستان بی‌پردازند، خلق افغانستان را از استفاده آنچه که خود با نیروی بازار و عرق جبین خویش تولید میکنند محروم ساخته است. قلیل توجه اینست که با ختم قرار داد بیست‌ساله یا فام از محصول دهی بگلی باز میماند و یا پایتترین گران‌تولیدی خواهد داشت که دیگر با اعمار ان روس‌ها علاوه فتنن نخواهند داشت مگر برلی چپاول و بدست آوردن امتیازات بیشتر.

امپریالیست‌های روسی در پروژۀ هلم راه سازی افغانستان دلچسپی بخصوصی نشان داده قرار داد اعمار شاهراه سالنک را که خط‌اتصالی شمال با جنوب کشور است بالای دولت‌ظاهرها

نیولاندند. در اعمار این شاهراه از یکطرف راه هلی ترانزیتی برای انتقال سریع و ارزان مواد خلم بشوروی و دفن کردن بنجل هلی روسی ، و از جانبی تدارک برای ایجاد تمهيلات در سوق و تعبیه نیرو های نظامی روسی در افغانستان دیده اند تا در موقع جنبش خلق بکومک دولتهای دست نشانده خویش شتافته و از جانبی هم زمینه تجاوز بخاک افغانستان را مهیا کرده باشند .

دولت شوروی علاوه بر اینکه سالانه با گرفتن سود سرمایه گذاری خود در کارخانه جات جنگلک از خون و عرق کارگران افغانی سرمایه های خود را فرسوده تر میسازد ، تولیدات فابریکه را کاملاً منحصر ب صنایع متناژ و دستگاه بسته کاری و جوش کاری ماشین الات و پیرزده جات روسی تبدیل کرده اند .

همانطوریکه تسخیر مارکتهای جدید سایر کشور های سرمایه داری بخصوس امریالیسم امریکا مستلزم حمایت و پشتیبانی نظامی میباشد ، دولت شوروی نیز برای حفاظت منافع فارتگرانش از خلق افغانستان نفوذ نظامی خویش را بسط و توسعه داده نمایندگان کپی . جی . بی . (را در لیا س مشاور نظامی - ائشه نظامی - کارشناس ... وارد افغانستان و پستهای مهمی را اشغال کرده اند . نفوذ اقتصادی و نظامی شوروی دولتهای افغانستان را و ادار به باج دهی کرده با استفاده از ان مارکتهمیل جدیدی ایجاد و انرا با کالی روسی مشبوع کردند . بطور مثال وسایل نقلیه روسی (برعلاوه وسایل نقلیه نظامی روسی که در افغانستان رقم درشتی را میسازد) تا سال ۱۳۵۲ بیش از هفتاد درصد عراد جت کشور را تشکیل میدهند . این عراد جت مانند سایر کالی پوشیده و بنجل در افغانستان پس از یکمدت کوتاه یا بکسی از استفاده باز میمانند و یا ترمیم کاری گرانسی بقیمت خرید یکمراده دیگر را لازم میدارد .

تشکیل حزب " خلق " :

دولت روزویختی شوروی در پهلوی کالی اعتمادی دست بمدور کالی فرهنگتی زده تا زمینه سچاشی ایدیولوژیک را مانند سچاشی شان در جنبش خلقه های سراسر جهان برای مهار زدن مبارزات انقلابی خلق افغانستان ساده ساخته و کاروان شتابنده انقلاب را در جا بترزند . گسیا هان زهری از قاتل نوره محمد تره کبی و بیسرنکارمل با ویش نسیم زهر آگین روزویختیم بین العلی سر از خاک بلند کرده با انضام بر جسته خاندان سلطنتی در بستر روزویختیم در افغانستان روبه نشو ناگذاشتند . ان نسیم روزویختیم خسرو شفی بشتام سرداران مستبد

که دیگر سر نیزه شان افشته بخون خلق افسانمتان در مقابل مقاومت مردم فرسوده شده بود خوش می خورد . دیگر جو روزنیزم تیر قصابی را از دست شان گرفته انها را به بودای نیک صفت تبدیل می کنند . سردار بزرگ از کرسی صدارت " استعفا " می کند از کرده بشیمان می شود و در پی " تجدید تربیت " می رود سردار بزرگ بر سفره رنگین سلطنت در اندیشه کارگر و دهقان می افتد ! او غضبناک از جامی پر بد بر شاه و یا " یارانیش " می تازد . غضب ملوکوتی سردار بزرگ بر شاه انبر میگذارد و شاه را از یارانیش بریده " جناح چپ " خاندان سلطنتی را تشکیل میدهد ما شاله ۱ چه اجازتی بزرگ که تاریخ در خود ندیده است ! حقا که کرامت روزنیزم خاندان سلطنتی را نه تنها " چپ " حتی دست اندر کار تشکیل " حزب خلق " میکند . خاندان سلطنتی که دیگر با ساطور قصابی اش نمیتوانست توده هل مردم را بفریبد جلو ابتکار را بر روزنیزمتها سپرده تا در پی توطئه بر ضد خلق برآمده معجون از عناصر سیاو کی . جی بی ترکیب و انرا در صدر رهبری جنبش خلق قرار دهد . خوانندگان به اعترافات ببرک " عضو برجسته " و گاهی هم رهبر " حزب خلق " توجه کنند :

" حقیقت مسلم اینست که کنگره اول (کنگره مؤسس) طوری که (طریق الشعب) نوشته است متشکل از ۲۷ عضو که از طرف در حدود ۶۰-۷۰ تن وابسته به حلقه های ۰۰۰ بود که از همان فردای تشکیل کنگره تا کسوف (۱۸) تن از آنان یا بگروه های مختلف از جمله با صلاح بیطرفها نوسانینها غاسیونالیستها و بیروکراسی رژیم شاهی پیوستند و یا بکلی عرصه مبارزه را ترک گفتند " (در روضها و جعلیات نور محمد تره کی و شرکا افشا می شود صفحه ۶ پاراگراف دوم) . در جلد دیگر میخوانیم: " همچنان بعد از تماس نور محمد تره کی با ظاهر شاه (پادشاه مخلص) و بعد از نشر مرام دموکراتیک خلق در شماره اول و دوم جریده " خلق " در شماره (۵) مورخ (۱۱ ثور ۱۳۴۵-۱ می ۱۹۶۶) جریده خلق تحت عنوان " دین اسلام ، قانون اساسی ، شاهی مشروطه " بصراحت گفته می شود " سلطنت مشروطه به عنصر مترقی بوده " (در روضها و جعلیات نور محمد تره کی افشا میشود ص ۸ پاراگراف دوم) (تکیه روی کلمات از ماستم) .

خرد باختگان روزنیزمت! در حالیکه خود به نشر مرام جریده " خلق " (ارگان نشراتی " حزب خلق ") بعد از تماس (در واقع دستور گیری) نور محمد تره کی از ظاهر شاه اعتراف میکنید چگونه باز هم از عناصر ملی و دموکراتیک توقع ماندن و حتی مبارزه از طریق ان لانه حامی دولت ظاهر شاه و ارتجاع بین المللی را دارید؟!

بريدن ۱۸ تن لغان کنگره مو سس " سرخلاف ادعلي رويز ونيمتها دال بر صداقت
 و هونيارن عناصر ملي و دموکراتيکي است که نه تنها " حزب خلق " بنياد شده
 ظاهر شاه ، لانه جاسوسي و ارتجاع بين الطلي را از همان " کنگره مو سس " ترد
 وادسا کردند بلکه تا امروز قاطعانه در مقابل ارتجاع داخلي و خارجي ، امپرياليسم
 و سوسيال امپرياليسم ، سرگرم مبارزات انقلابي بوده و تا نابوي کامل آنها
 مبارزه خواهند کرد . بريدن دوتلست لغان کنگره مو سس از همان فردان
 کنگره بوضاحت قلابي بودن کنگره و جاسوس بودن کنگره چيان را همانطوریکه
 بيرک بر جاسوس بودن تره ک و تره ک بر دربارن بودن بيرک شهادت داده اند
 بانبات ميرساند . خوانندگان بلعترافات بيرک توجه کنند : " تعجب اور خواهد
 بود که ضمنا ياد اور شوم که در روز جلسه راي اعتماد صدر اعظم ميوندوال کميته مرکزي
 فيصله کرد که بايد فرکميون (حزب) در ولسي جرگه (پارلمان) برل ميوندوال راي عدم
 اعتماد بدهند . بالعکس نورمحمد تره کي در خفا بصورت شخصي بالان فرکميون
 فشار ميآورد و تهديد ميکرد که بايد علي رغم تصويب کميته مرکزي راي اعتماد
 داده شود . " در جاي ديگر : " نکته قابل يادداشت اينست که نورمحمد تره کي
 وقتي ائنه مطبوعاتي در امریکا بود دوستي خالصانه لي با شغلي ميوندوال سفير کيبر
 افغانستان در واشنگتن داشت . شايد اين عا طفه دوستي بوده که چنين درخواستي
 از فرکميون (حزب) ما در ولسي جرگه ميکردند ... (مراجعه شود به نشرات
 نيوارک تايمز (شماره ۱۲ نوامبر ۱۹۵۲) و صحابه لي مطبوعاتي نورمحمد تره کي
 در واشنگتن که باعکس او انتشار يافت و در ان از امريکائي ها براي نجات افغانستا
 طلب کمک کرده است و مساله ترک تابعيت نورمحمد تره کي و تصيم او بقبول
 تابعيت از انگلستان و همچنان صحابه اقلي ميوندوال و تضمين و ن از نورمحمد تره کي
 در همين شماره) " . در ادامه ان ميخوانيم : " در اين هنگام ميوندوال صدر اعظم
 و يک عده ماموران عاليرتبه نيز در انکار عامه بر اساس نشرات بين الطلي متهم
 بهمکاري اداره سيا شده بود و حکومت در لب پرتگاه سقوط قرار داشت . بالاخره
 اعتراف را چنين ميخوانيم : " توجه کييد در همين هنگام دست سيا در درون (حزب)
 ما که مواد داخلي ان قبلا آماده بود اشکار ميگردد ... " تکيه روي کلمات از ماستم .

این اعتراضات رو دراست دارو دسته بیرک نه تنها جاسوس بودن تره کی و حلقه اش را ثابت میکند بلکه بیرکی ها بجا سوس بودن خود نیز اعتراض میکنند . در صورتیکه تره کی ها جاسوس بودند که یقیناً هم بودند و تره کی ها درباری بودند که باز هر بودند چگونه انایون بیرکی ها حاضر به تشکیل حزب و همکاری با تره کی های جاسوس شدند اگر خود جاسوس و درباری نبودند؟! واقعبیت اینستکه :

" کبوتر با کبوتر زاغ با زاغ کند همجنس با همجنس پرواز"

بدیتر تیب جاسوس های دربار حزب نام نهاد خلق ، این ستون پنجم ارتجاع بین المللی را ایجاد و چون پیامبران بی امت بخدمت دربار محمد ظاهر شاه می شتابند . اکنون که تصور واقعی از لانه گذاری دارو دسته تره ک - بیرک جاسوس هللی حرفه ای ارتجاع را بدست آوردیم اینک میروم در پی افشای خدمتگذاری های شان بدربار سلطنت .

حزب خلق در خدمت خاندان سلطنتی :

خاندان سلطنتی برای اینکه پایه های لرزان خود را در بین مردم استحکام بخشد و چند روزی بممر تنگی خود ادامه دهد در میزبان سال ۱۳۴۳ بایادی سازمان سیا در امره دموکراسی را مورد نمایش قرار داد و "قانون اساسی" جدید بیان آورد . بموجب این قانون نخست وزیر نمیتواند از افضل خاندان سلطنتی باشد! قانون اساسی توسط "نمایندگان" ملت در پارلمان تصویب و پس از تعدیلات لازم شاه انرا توشیح میکند! شاه عاری از هرگونه مسئولیت بوده و صلاحیت انحلال پارلمان را دارد!

در پرده اول نمایش سردار محمد داود دیکاتور بینظیر عصر در نقش عنصر چیپ محمد ظاهر شاه (سیا) در نقش عنصر میانه متعایل چیپ و سردار شاه ولی کاکای ظاهر شاه با پهرش جنرال سردار عبدالولی در نقش جناح راست خاندان سلطنتی روی صحنه نمایش حاضر میشوند (این تحلیل و تجزیه حقیقی دارو دسته تره ک - بیرک است که با اساس ان خاندان را بجناح "چیپ" ، "میانه" و راست تقسیم و داود را عنصر "چیپ" میدانستند . این تحلیل و تجزیه بخحکه استعمار داود توسط قاری امان تاجر کمپرادور انجامید که بنظر آنها باید از مواضع "چیپ" داود دفاع کرد!). خاندان سلطنتی هر کدام ارایش غلیظی بسرو صورت میمانند تا نمایش موهفانه اجرا و مورد قبول مردم قرار گیرد . اکنون خاندان سلطنتی در مقابل دستپروزدگان خود چلنجی فرار میدهندنا حقانیت دموکراسی شاه ، قانون اساسی و پارلمان ارتجاعی

را در بین مردم تبلیغ و انرا بر مردم بقبولانند . بناً سي از اعتماد سلطنت حزب "خلق" تره که ببرت این رسالت خاندان را از دل و جان بدیروا گردیده و شروح به نشر جریده ای دربارن بنام "خلق" میکنند . جریده ای خلق در مدح و ثنای خاندان چنین بکلام لغز میگذد : "برای اینکه تا حدودی تضاد میان طبقات حاکم و طبقات تحت ستم کم شود، در میزان ۱۳۴۳ بر اساس اراده خلق وطن و به نسبت درت و تشخیص درست اعلیحضرت معظم همایونی قانون اساسی جدید بیان اند . . . " (شماره (۳) مورخ (۵ نور ۱۳۴۵) زیر عنوان (ت آزمایش دیگر بزبان پشتو به بله از موبنه) خوانندگان توجه کنند که روز نویسندگان چگونه درت و تشخیص اعلیحضرت معظم همایونی را در توطئه بوجود آمدن قانون اساسی بمنظور تضعیف تضاد های طبقاتی و اشتهای دادن شاه با مردم ، از طریق شمشودادن روی کیفیت ظاهر شاه خدمات شایانی بخاندان انجام دادند . ایا تره ت ببرت امروزی همان عناصری نیستند که دوازده سال قبل کمر خدمت بارتجاع بستند و سی امروزی همان قانون اساسی خودستوده و همان "اعلیحضرت معظم همایونی" خود را بباد انتقاد میگیرند؟!

اقایون تره ت ببرت ! در انزمان که توطئه ضد خلقی ظاهرشاه و (سیا) را در بوجود آوردن قانون اساسی قلابی بشرمانه ستایش میکردید چگونه امروز روی ان موضعگیری میکنید ؟ ایا شاه در انزمان خلقی بود که شما در مواضع دفاع از شاه ترار گرفته بودید و یا شما ضد خلقی که توطئه شاه را مدح و ثنا خواندید؟! جواب این سؤال را در شماره (۵) مورخ (۱۹ نور ۱۳۴۵) جریده "خلق" چنین میخوانیم : "سلطنت مشروطه بت عنصر ملی و ترقی بشمار میرود . در جای دیگر " . . . بالاخره با اساس اراده ملت و رهنمائی مدبرانه اعلیحضرت پادشاه افغانستان برای اولین مرتبه در کشور اصل مشروطیت در ماده اول قانون اساسی اعلان گردید . و بدنیال ان ادعا گردیده : " اصل دولت پادشاهی مشروطه وثیقه خونهای فرزندان صدیق وطن . . . است " و بالاخره در پاراگراف دیگر همین مضمون میخوانیم : " ماده هفتم و یازدهم قانون اساسی کشور که جریده خلق انرا احترام مینماید میگوید : "پادشاه غیر مسئول و واجبالاحترام است . . . پادشاه از حقوق مردم حفاظت مینماید . "

اینست ایننه ثنای واقعی روز و نیستها که امروز رسالت شاه پرستی را فراموش کرده دم از انقلاب میزنند و بر خاندان سلطنت دندان میچوند . اقایون ببرت تره ک ! این مگر شما نبودید که توطئه (سیا) را در بوجود آمدن قانون اساسی وثیقه ای خونهای فرزندان صدیق وطن میخواندید؟! این مگر شما نبودید که محمد ظاهر شاه جلاذ خلق افغانستان را حامی مردم

و "حفاظت حقوق مردم" خوانندید.؟ اما این مگر شما نبودید که پادشاه این دشمن خلق افغانستان را واجب الاحترام خواندید.؟ اما ذهی وقاحت و پیرروشی اما آخر فحشای سیاسی هم حدی دارد اما گناه خود را در لغزش شاه انداختن و زمانی هم جلوه‌ای بر مردم زدن - گناه از کسی بجای بی دستور گرفتن زمانی با سیا کنار آمدن. آخر این همه خود فروشی و وطن فروشی برای چه ؟

مرتجعین روز نیست اما اگر شاه حامی مردم و محافظ حقوق آنها بوده اگر قانون اساسی در اثر ازاده ملت بوجود آمد اما اگر شاه عنصر ملی و مترقی بنامه واجب الاحترام بود اما اگر پارلمان کانون ارتجاع افغانستان بزعم شما "مظهر اراده خلق" افغانستان بود پس مردم افغانستان در فرخنده ترین عصر اجتماعی بسر میبردند که نیازی به مبارزات قلابی و سازمان درباری "حزب خلق" و کودتای شما نداشتند. زمانی که نور محمد تره کی بان همه بی زبانی در اذان خدماتش مورد الطاف شاهانه قرار میگیرد شعله "حزب سرتاپای وجود بیک را فرا گرفته از تریبون پارلمان ظاهر شاه نطقهای اثباتی ایراد و روی تره کی را در شاه پرستی سفید میکند. بیک سنج زبان "در بیانیه اسد ۱۳۴۵ به نمایندگی از فراکسیون پارلمان "حزب خلق" محمد ظاهر شاه این جلاد خلق افغانستان را "مترقی ترین شاه" خواند تا دستهای فاشته بخون ظاهر شاه را در انظار مردم مقدس جلوه دهد. بیک در این بیانیه سرتاپا ارتجاعی اش بیاد محفل عالی مجلل میخوارن و بیانی در سامی اقتد و دارائی وزارت دربار را برای تهیه مخارج بیشتر دربار نا کافی و حتی نا چیزی خواند. بیک در واقع زمینه چابیدن مردم را برای تهیه مخارج بیشتر دربار مهیامی ساخت تا جرعه از مینا - ریزه ای از خون و جلوه ای هم از رقاصه های غربی ظاهر شاه را نصیب شود. این زمانیکه بیک محمد ظاهر شاه را با زور "ترقی" و یکتا بودن میدان "دموکراسی در شرق" ارایش میکنند و دست های فاشته بخون او را مقدس جلوه میدهند، نور محمد ترکی دیوانه وار بمیدان هوای کابل شتافته حین بازگشت محمد ظاهر شاه از شوروی دست های کیف او را بوسه میزنند هنگامیکه تره کی با دست بسوی شاه از بیک پیشی میگیرد بیک مراتب خدمتگداری خود را با ایراد بیانیه ای شاه پرستانه اش نا چیز یافته هراسان از خود سوال میکند: "ایا در مقایسه با نظرات شاه پرستانه نور محمد ترکی (منشی عمومی) در مقالات (تلپناک شان) و ارتباطشان با شخړه یاد شاه ایبا در مقابل شتافتن اتان

تیره کی بمیدان هوآئسي کابل بغرض استقبال و دست بوسی شاه . . . ، ایا در مقایسه با پافشاری جناب نور محمد تیره کسی بمنظور تعمیم و تحمیل مصرا نه این "تئو" کسه "پادشاه غیر مسئول و ماورای طبقات است" میتوان با این بیانیسه هم در "مقام شاه پرستی" جانی پیدا کرد ؟

اری اقلی بیرک ۱ با وجود پیش دستی تیره کی شما هنوز هم در مقام شاه پرستی جانی بخصوصی داشته اید . در بار محمد ظاهر شاه نه تنها به چاکراتی مانند تیره کی "بیزبان" برای دست بوسی لازم داشت بلکه بارایشگرانی "سرخ زبان" چون شما که چهره سیاه ظاهر شاه را باقبای "ترقی" و "دمکراسی" سرخ ارایش کند مردم را با شاه اشتی دهد هم نیاز داشت . دموکراسی ظاهر شاه و صحنه سانی روزنیستها بهمت مبارزات ثوریت سیاسی انقلابیون پسرده دموکراسی قلابی ظاهر شاه را درید و سر نانی جار جیان روزنیست را که سرود دموکراسی ظاهر شاه را از سرگشادش میسرودند بزمن افگند . همینکه دموکراسی بانی خاندان سلطنتی به بن بست کبید ، دستگاہ (سیا) کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ را سرهمبندی و در حالیکه محمد ظاهر شاه در اروپا بسر میبرد محمد داود جلاد عضویر جسته خاندان سلطنتی با قبان "جمهوریت" بخاطر حفظ منافع خاندان سلطنتی و ادامه سیستم فرتوت ظاهر شاه روی صحنه ظاهر میگردد . محمد داود در حالیکه چون اسلافش خدمت با امپریالیسم امریکا و غرب بسته بود روزنیستهای مسکورا نیز با دادن امتیازات اقتصادی - نظامی و سیاسی دل بدست گرفت . او در اولین بیانیسه صبحگاهی کودتا روزنیستهای شوروی را دوست نزدیک خود اعلان کرد و روابط چپا و لگرا نه آنها را در افغانستان قابل احترام و خلل نا پذیر خواند .

داود بلا درنگ در همان بیانیسه اول سیاست خارجی خود را ابلاغ و در ان شوروی را " همسایه شمالی و کشور معظم دارای روابط حسنه " با افغانستان خواند . او حفظ و توسعه " روابط حسنه " دولتش را با شوروی وعده داد . دولت روزنیستهای شوروی که از دیر زمانی باصول انقلابی و دفاع از خلق پشت پا زده و هوای تشکیل امپراطوری بسر دارد اولین کشوری بود که دولت ارتجاعی داود را برسمیت شناخت . دلقکهای کوی سوسیال امپریالیسم شوروی نه تنها در افغانستان بلکه در هند - عراق - اروپا - وبالخاصه دار و دسته خائن کیمته مرکزی حزب توده ایران از کودتای داود استقبال گرم بعمل آورده شروع برقص و پا کوبی کردند . دار و دسته خائن کیمته مرکزی حزب توده ایران ، برادران صلیبی بطنی محمد رضا شاه این جلاد خلق ازادمنش ایران ، در نشرات ارتجاعی شان از "تغییرات بنیادی" در اتسر رویگار آمدن رژیم داود دم زدند .

بدین ترتیب محمد داود بدنیال افتضاح بخش اول نمایش "دموکراسی - قانون اساسی و پارلمان... " که بشکست کامل انجامید قسمت دوم آنرا "جمهوریت" عنوان کرده و در نقش عنصر چپ بنمایش لافاز میکند. او در بیانیه اتن از مردم نام می برد. از انقلاب صحبت میکند باز کارگر و دهقان حرف می زند و بیاناتش را زیر عنوان "خطاب مردم" ایراد میکند. داود با پرتاب میخی در دل دارودسته ترک - بېرک این میمون های بیخورد سخت شوق و شور افکند و آنها را برای گرم ساختن نمایش خود خوش رقصاند. داود عناصر روزنیست وابسته به دارودسته تره ک بېرک را در بیروکراسی دولتی خود راه داد از ایشخوار روزنیست تغذیه تئوریک کرد و لاطالاتی چون تقویه سکور دولتی - راه رشد غیر سوسومایداری دولت عمم خلقي را از زرا د خانه خرورف بعمارت گرفت و آنرا برنامه دولت کودتایی خود اعلان کرد.

ذهبی سعادت که نصیب خلق افغانستان شد! باز هم بدعت خورشف - برژنف که حتی سردار بزرگ در جور روزنیست شان " تجدید تربیت " می شود و علاوه سلطه ان نیم قرن خاندان خود انقلاب میکند! دارودسته تره ک - بېرک دیوانه وار با استقبال کودتای داود ستافتند. جمهوریت نام نهاد داود را پسیدیده ان مترقی خواندند و دفاع از انرا وظیفه کلیه انقلابیون کشور! خلق دلیر افغانستان صحنه سازن ظاهر شاه - داود شاه را در همان صبح کودتای درک و در مقابل ان موضع گرفتند. دارودسته تره ک - بېرک روز نامه ان شبنامه نما با اشاره ابروی داود شاه بخش و در ان " جمهوریت " را مانند قانون اساسی و دموکراسی ظاهر شاه دست آورد مبارزات سالیان دراز خلق افغانستان خواندند. دارودسته تره ک - بېرک در خدمت دستگاه همان جاسوسی ضبط احوالات (مثنویت ملی داود شاه) قرار گرفتند. روزنیستها بیشرمانه در پی تبلیغ کودتای داود هیاهو برای انداختن و بیه بلند گوی دولت ارتجاعی داود تبدیل شدند. با همان زور "ترقی" و دموکراسی " که جهره ظاهر شاه را در زمان سلطنتش ارامتند سر و صورت داود را غلیظ تر ارایش کردند. ظاهر شاه را که تا دیروز کسودتای

داود یکه تاز میدان دموکراسی در شرق میخواندند دیگر مستبد، بیگاریت... نایبندند. قانون اساسی را که دست آورد خلق افغانستان، پارلمان را که مظهر اراده خلق افغانستان تبلیغ میکردند دیگر ارتجاعی و سیاه خواندند. مدال های مظلای روزوتیس را از ظاهر شاه برای ارایش داود شاه بعاریت گرفتند تا سینه داود را بان مزین سازند.

داود دسته تره ک - سیرک با رویگار آمدن دولت داود هر کدام حسودانه خود را بدربار دادند بکتر ساختند و خدمات یکدیگر در استان جمهوریت داود برای بدست آوردن مقام ناچیز خواننده وارد صحنه پلیمیک بازی میشود. خوانندگان به نوشته داود دسته سیرک در خطاب به تره کی توجه کنند که چگونه خواسته است خود را بدربار داود مقررتر سازد: "عناصر بیدار خلق بیاد دارند که در ظلیعه ان ایجاد رژیم جمهوری در هیئت رهبری ان عناصر چپ و مترقی، دموکرات و ملی اکثریت و تسلط داشتند و پروگرام (خطاب مردم افغانستان) را هلام کردند...".

خوانندگان همه میدانند که هیئت رهبری کودتای سرطان ۱۳۵۴ کی بود و پروگرام "خطاب مردم افغانستان" را کی اعلان کرد. بنا بر ان عنصر چپ و جناح مترقی "رژیم جمهوری" چه کی میتواند باشد غیر از داود جلاد و دارودسته اش که تره ک سیرک بدفاع از ان برخاستند و خواستار تضییق برنامه های ارتجاعی او بودند. این مگر همان اقایون تره ک سیرک امروزی نبودند که خود را با ساز و برگ دولت فاشیستی داود سازگار ساختند و کودتایش را انقلاب نامیدند؟ این مگر اقای تره کی نبود که قانون فاشیستی جزای داود را که اجتماع حتی پنج نفر را منسوخ قرارداد بود طی نشریه حزب درباری خود تائید و دفاع از انرا وظیفه خود دانست؟ اقای تره کی! شما که امروز بر مسند همان داود تکیه زده اید و تاجش را بسر گذاشته اید چه تفاوتی میان امروز شما و دیروز داود وجود دارد که او را داود شاه میخوانید؟ اگر او را بخاطر تاج و تختش و فاشیسم او داود شاه میخوانید مردم حق دارد شما را تره ک شاه فاشیست و وطن فروش از قماش داود بنامند چه در واقعیت عمل تفاوتی میان شما وجود ندارد.

اینک هم قطعاتی از نوشته های امروزی روزوتیستها: "وطن از استبداد سردار محمد داود نجات یافت، دوران برادری و برابری واقعی لغز یافت... در جای دیگر: "دستگاه فساد پرور و ضد ملی دولت و شبکه های جاسوسی رژیم فرتوت سلطنتی و نماینده ان برجسته ان محمد داود در زیر ضربات توانی هوایی و زمینی بیاری خدای توانا و به پشتیبانی تمام نیرو های دموکراتیک، ملی و انقلابی و طن محسوب ما افغانستان در هم کوفته شد... در قطعه دیگر چنین مینویسند:

دودمان نادرغدار و خصوصاً سرمدار استبداد داود جلاد به نسبت گتسن روجیه شجاعت فطرن مردم افغانستان گاهي در زميند اور کند هار گاهي در کواز گاهي در هزاره جات تیخ از نیام بیرون کرد و مردم بیدفاع و شریف و وطن پرست دره هلی کنر را نیز بخاک و خون کشید .

حضرات کودتا چي که در ان زمان داود را چپ ، ملي ، مترقي و دموکرات خواندند ایا کتار مردم بیدفاع و شریف افغانستان را توسط داود فراموش کرده بودند ؟ ! ایا بیانیه (خطاب بمردم) انهمه خونهای مردم زمیند اور کند هار ، هزاره جات ، کتواز و دره های کنر را از دستهای خون السود داود شستمو داد ؟ ! واقعیت اینستکه بیانیه (خطاب بمردم) که از حنجره پرژنفا بزبان داود دیکه شد داروسته تره ک بیتر را چنان مست و مدهوش ساخت که مغز علیل شان کتار داود را بدست فراموشي سپرد تره ک ب بربک خائنانه روی خون هزاران هزار شهید بیگناه پا گد اشتند و داود قاتل را بیشرمانه عنصر چپ ، ملي ، مترقي و دموکرات نامیدند . با تخطی از مواضع دیروزی خویش چنین می نویسند : " . . . در عهده این سردار خود خواه و جاه طلب تاریخ ، سو استفاده از قدرت دولت و همی مردم بساچ رسید . رشوت میداد گری چور و چپاول قانون عام جمهوریت قلابی داودن گردید . جنون بی پایان شهرت طلبی چشم این ستمگر تاریخ و جلاد مردم را کور کرده بود . " (روزنامه انیس مورخ ۱۳ نبر سال ۲۰۲۲ شمسی) روز نویستهها که ان زمان در ستایش داود به حیث عنصر چپ دهن پراب میگردند و کودتایش را انقلاب و رژیمش را با کلمات ظریف و نفیس ، طلیعه ای ایجاد رژیم جمهوری " و " جمهوری جوان افغانستان " می ستودند چه اتفاقی افتاد که امروز بر نوشته های مستند دیروزی خود خط بطلان میکشند ؟ ! روز نویستهها که ان زمان بمنظور استقرار و سوق جمهوری جوان کشور بجهت انقلابی و دموکراتیک و تطبیق سرام مشترکی (خطاب بمردم افغانستان) که از همان میگاهاه اعلان رژیم جمهوری " مبارزه میگردند چه اتفاقی افتاد که امروز بران خط بطلان کشیده ان " رژیم جمهوری جوان افغانستان " را ادامه سلطنت نادر خان و داود " عنصر چپ " دیروزی را ستمگر تاریخ و جلاد مردم میخواهند ؟ !

و انعطاف اینست که دولت داود برای روزیستها خوش درخشید ولی مستعجل ۱ تا زمانیکه داود روبرو- نیستها را در خون خود شریک بالاستحقاق وانمود میکرد دیگر قنیه کشتار مردم بین توه ک-بیرک و داود در میان نبود. تیره ک بیرک سر از گریبان داود بیرون میکردند همانطوریکه داود جامه و ار آنها را در خود پوشانند. ولی هنگامیکه چاکلی شان در استان ظاهره و سپس داد و شاه حنای آنها را نزد مردم بیرنگ ساخت دیگر متاع شان در دربار داود هم بازاری نداشت. بنا بر این داود آنها را یک از خدمت دربار مرخص و بساطشان را از دولت برچید. بدیترتیب روزیستهای داخل تبدیل به لاشه هل گدیده سیاسی آماده بدن شدند که حتی داود گفتار از تغذیه بر آنها عار داشت. از جانب دیگر و ایتگی داود با امپریالیسم امریکا و سفرش به مرستان سعودی سوسیال امپریالیسم شوروی را با وجودیکه امتیازات بیحد و حصری که در افغانستان بدست آورده بود سخت نا راحت ساخت. انکشاف اوضاع در شرق میانه بنفع امپریالیستهای امریکائی و ملاقات داود با سادات، میانجیگری محمد رضا شاه سگ زنجیری امپریالیسم امریکا بدستور کار تر، برای اعتبار دادن مذاکرات سادات-بیگن در "برقراری صلح در شرق میانه" بنظر مرتجعین کرملن حرکت "ضد روسی" بود چه سرخ "ابتکار" درین مذاکرات بدست ابر قدرت امریکا بود که سوسیال امپریالیستهای روسی از بهره گیری درین معامله میان ارتجاع عرب و امپریالیست های امریکائی بالای حقوق حقه خلق عرب بی نصیب میمانند. علائق نظریه حرص و ولع سوسیال امپریالیستهای روسی در رسیدن ببله های بحر هند که از ارزوی دیرین شان استافغانستان یک منطقه مهم ستراتژیک بوده که دولت های ارتجاعی افغانستان در زیر فشار خلق توانسته اند این مامول دولت شوروی را تا امروز بر آورده سازند. دولت شوروی برای تطبیق برنامه های شوم خود و رقابت با امپریالیستهای جاپانی، غربی، امریکائی در چپاول خلقهای قاره آسیا توطئه اعضای "قرار داد صلح آسیائی" را برای انداختن تا از یکطرف دولت های ارتجاعی منطقه را مانند اتمار اروپای شرقی شامل پیمان های نظامی - سیاسی خود ساخته و خلق چین را تجرد کند از جانب دیگر پیمانهای اقتصادی برلی چپاول بیشتر ثروتهای منطقه (مانند کیمکان در اروپا) در پهلوی پیمان نظامی سیاسی خویش در آسیا بوجود آورد. پس از شکست توطئه اعضای "قرار داد صلح آسیائی" در اثر مقاومت خلقهای منطقه، سوسیال امپریالیسم شوروی بعد از امتیازات مستقیم در امور داخلی کشور های آسیائی دست زده و از جانبی هم اختلافات مرزی بین کشور ها را مفرضانه دامن میزند

تا اب را گل الود و خود ما هي مراد بگیرد . اوج گیری اختلافات سرزی بیسن
افغانستان و پاکستان روی مساله پشتونستان و تجاوزات دولت هند بر پاکستان
شرقی با تکی نیروهای نظامی روس و روسکار آمدن مجیب الرحمن ، دامن زدن اختلافات
سرزی کشمیر با هندوستان مداخله شوروی در امور داخلی سرى لانکا يك سرى
حوادثی است که بدستور روس ها و دستیارى احزاب ریزونیستی و دولت های ارتجاعی
فضای سیاسی منطقه را مکدر ساخته است . از جمله کودتای ۷ نور ۱۳۵۷ بر
مبنای سیاست تجاوزی شوروی دارودسته تره کدبیرک را از لبه گور نابودی برارiske
سلطنت داود شاه رساند که یقیناً این کودتا افتاب به لب بام رسیده شان را به زوال
ابدی خواهد سپرد دارودسته تره کدبیرک نوکران گوش بفرمان شوروی با کودتای
۷ نور ۱۳۵۷ دیوانه وار دیهیگناه سیا شاه داود خان را به اتکا دولت روسیه صاحب
کردند . شبکه های جاسوسی کي . جي . بي . بدستیارى ریزونیستهای وطنی کودتا را سرهمبندی و
سر انجام تاج و تخت سلطنت را با تائیکه سالها در عطش ان بال و پیر سوختند تسلیم داد .
خلق افغانستان کارگزارى مله هیران سیاسی - نظامی شوروی را چون افتاب رخشان
همانروزیکه در " دلش " کودتا براه اقتصاد بچشم سرشاهده کردند . ریزونیستهای
افغانی که از هیچگونه دنائت ، کرنش و شوکت در جرم وطن فروشی های ظاهرشاً
و داود شاه برای کسب قدرت دریغ نکردند ، اینک پیمان وطن فروشی خود را در
قبال کرامت اربابان خویش سر از نو عقد کردند .

دارودسته تره کدبیرک در هر قدم حرکات دولت ضد خلقی شوروی را که برگزده این
مردم افغانستان پیا میگذشت همرا کنان استقبال کرده اند . ظاهر شاه را بتامی از سفر
بشوروی دست بوسیدند و بخاطر تمایلاتش او را شرقی ، دموکرات ، حامی مردم و حافظ
حقوق شان خواندند و سرنای دموکراسی ، پارلمان و قانون اساسی او را سرودند .
برای داود شاه خوش رقمیدند ، جاسوسی کردند و او را عنصر چپ نامیدند . خلاصه
تره کدبیرک هر " گلی که به لب ریختند " همه پیاس گل روی روسها بود . نغمه ها
سرودند همه برای درگشایی روسها به افغانستان .
تره کدبیرک قرار داد گناز را بقیمت يك بر سم نرخ بین المللی ان عادلانه
خواندند زیرا که ~~گناز~~ افغانستان منبع غنی ندارد تا مصارف تمدید پایب لا یس

را به اروپا جبران و بعداً "بنرخ بین المللی بفروش رسد . بنا" روسها" برای جلوگیری از هدر رفتن گاز " و بمنظور " . کمکت اقتصادی " با فغانستان حاضر شدند انرا خریداری کنند ! اگر این عبارت را از زبان تره کوبسیرک بزبان يك افغان بغارسي ترجمه کنیم چنین میشود : چون افغانستان امکانات اقتصادی تعدید پایب لاین گاز را تا اروپا ندارد بنابراین گاز در مارکیت چپاولگران اروپایی عرضه شده نمیتواند لذا خرشهای محکوبی دغدغه انرا تناول میکنند . تره کوبسیرک که سنگ انقلاب بسینه میکشند درین تحلیل ماهیت ارتجاعی خود را اشکار میسازند . بدینمعنی که بجرم آنها قیمت گاز افغانستان را رقابت مارکیت های اروپا تعیین میکنند نه عرق جبین و نیروی بازوی کارگران و زحمتکشان افغانستان که دولت تنزیل بگیر شوری خود را از ان فرسه ترمی سازد ؟! بدینمعنی که دولت خائن شوری با سرمایه گذاری و انحصار خود تفاوت نرخ را به جیب میزنند نه محصول رنج کارگر افغانی را که خود در بدترین شرایط برای تخمین ، پخت و پز از فزله حیوانات و گیاه های دشتی استفاده کرده و زمستان های سرد را سپری میکنند ! اگر منطق این باشد بسادگی شوری را هم میتوان کشور سوسیالیستی قبول کرد که سنگ برین منطق برزنی !

کارگران ، کارمندان و کارشناسان افغانی بارها ارزیابی خائنه تخصصی روسی را از منابع گاز ، نفت ، ذغال . . . افغانستان افشا کرده که منجر به برطرفی ، تهدید و زندانی شدن شان گردیده است . زمانیکه کارگران ، کارمندان و کارشناسان افغانی بر ضد خیانت های دولت شوری دست بافشاگری و مبارزه پیگیر زدند . روسها خائنه ذخیره - گاه گاز را اتش زدند که اتش سوزی ان ماه ها طول کشید و ملیونها افغانی گاز افغانستان قربان غضب خرس های روسی گردید . ولی دارودسته تره کوبسیرک بشیرما از اعمال و قرارداد های چپاول گرانه روسها بدفاع برخاسته بر ضد افغانها بطرفداری از روسها موضعگیری و بر خلاف ارزیابی کارشناسان افغانی سروی غرضالود روسها را قابل اعتبار خوانده اند . تره کوبسیرک که در بیخوردی هم از بیوجدانی دست کپی ندارند ، دودسته بمفطه باداران روسی خود چسبیده منبع گاز افغانستان را ناچیز جلوه میدهند تا ریا خواری دولت تنزیل بگیر شوری را از ثروت مردم افغانستان تیرنه کنند . در حالیکه اگر بکشند این مفطه را اندکی نزدیک بسطح خرد انسانی تحلیل کنند بزودی پی خواهند برد که اگر گاز

افغانستان منبع غني نداشت دولت شوروی چگونه استخراج خریداری انرا برای مدت طولانی بیست سال انحصار کرد؟! هر گاه تره نـبـسـرن در روشني این تحلیل بر بیخوردی خود فایق آیند . درمان بیوجدانی شانرا خلق افغانستان خواهد کرد و انها را در موضع مردم افغانستان خواهد کشاند!

کودتا چپان که با هزارها من سرش کوشیده اند قباي انقلابي بر چهره خود و اربابان روسي شان بسزند امتیازات بحد و حصر دولت شوروی را در افغانستان توسعه داده اند . در عرض چند ماه بعد از کودتاده ها قرار داد اقتصادي اعنا* و پروژه های پرسودی را مانند قرار داد ساختن يك مجتمع ذوب مس ، سرمایه گذاری بیشتر شوروی در دستگاه برق حرارتي مزار شریف . . . را بر سر و آگذار کردند تا از یکطرف سرمایه های انباشته شده شوروی بدوران بهره گیری افتد و از جاني دولت ضد خلقي شوروی را در انظار عامه دایه مهربان جلوه دهد .

کود یوریا افغانستان که دارای کیفیت عالی بوده دولت خائن شوروی خریداری انرا پائیتسیر از نرخ بین المللي در بار جامه های پلاستيکی ساخت جاپان که باید افغانستان انرا خریداری کند انحصار کرده است . هزارها تن کود یوریا که نظر باشکال مواصلاسي بار جامه های جاپاني ، در بار جامه های عادی به بندر حیرتان انتقال داده شده است از طرف روسها مسترد گردیده و بمصارف افغانستان دوباره بگدام اتسفال و قسمت زیادی از ان در انبارندگی ، خسارات حمل و نقل و غیره عوامل تلف گردیده است . دولت شوروی کود یوریا افغانستان را بالای اعمار ارومائییش بفروض رسانده از دلایي ان ملیونها افغانني ثروت مردم افغانستان را بچیب میزند .

سنت افغانستان که در فابریکه های سمنغوری و جبل السراج تولید میگردد بنرخ يت بر سوم تا يك بر ششم (در مواقع قلت و احتکاران توسط کمیشنکاران) آنچه خود مردم افغانستان برای خریداری يك خریطه ان میپردازند بروسیه صادر میگردد . در حالیکه مردم افغانستان در بدترین شرایطی مسکنی بسرمیبرند و صبح های زود تا شام های دیر با دستگاه های بیروکراتیک چنه میزنند تا امر خریداری پنجاه خریطه سمنت را بدست آورند . سر انجام امر بیروکراتیک که در بدل رشوه گزافسي در پهلوی روشناسي رواسط بدست آمده نظریه اینکه ماه ها در محازه توزیع سمنت وجود ندارد ، یا مفقود و یا هم بوسیده میشود . ولي دولت تره کي بهیوجه حاضر نشده صدور سمنت را بشوروی قطع و یا حد اقل تقلیل دهد چون از توانش خارج و از خواستش دور است .

محصولات فارم هده و لايت تنگرهاړه ، پنبه و لايات شمالي وغيره ميوه جات خشت و تازه کور بعد از انتقال به بندر از طرف روسها بخواست خود سان درجه بند ي ميشود . روسها اين افلام صادراتي افغانستان را عموماً يک تا دو درجه پائينتر از مسترد بين العلي ان سورت ميکنند که مقامات افغاني اصلاً حق هيچگونه ابراز نظر و يا اعتراض را ندارند . در غيران تمام افلام را مسترد و افغانستان را متهم به نقض قرار داد و محکم به "جيران" ان ميکند .

دولت شوروي نظريه ما هيت از تجليش تنها بچپاول افغانستان اکفا نکرده بر ميخاي سياست تجاوزيش خواستار تطبيق پلان هاي شوم خويش براي بدست آوردن نقاط ستراتيژيک در منطقه ميشانند . دولت تيره کي اين سک زنجيري سوسيال امپرياليسم روس براي تامين ارزو هاي ديسن باداران خود ديري از ود مساله پشتونستان را حاد و حاد تر ساخته ميخواهد مردم افغانستان را در خدمت سياست جهانگشايي روسها قرار دهد . تيره کي که اکنون به پيرو ي از سياست ضد خلقي دولت شوروي "صلح" ، "دموکراسي" ... نشخوار ميکند ، رويايي جز جتک افروزي و ژاندام شدن در منطقه چيز ي بسر ندارد . سفر حفيظاله امين به کوما و دفاع از سياست کاسترو و اين پياده شطرنج روس در امر توسعه مستعمرات شوروي بيانگر تصورات ابهانه تيره کي و دارو دسته اش ميشانند .

دولت تيره کي و اربابان روسي اش کور خوانده اند . خلقي افغانستان هرگز حاضر نخواهد شد گويت دم توپ و قرباني سياست جتک افروزان روس در زير شعار "صلح" ، "دموکراسي" ... شوند . تيره کي بايد بداند که اين ارمان را با خود بگير خواهد بود چه حناي کاستروسم در بين خلقهاي جهان ديگر رنگ باخته است . در ان زمان که کاستروسم توانست بطور نسبي در افريقا پايه اي ايجاد کند ، فقط رادیکاليسم انقلابي ان در برانداختن رژيم (فاشيستا) و مضعگري جسته گريخته اش بر ضد امپرياليسم امريکا و سوسيال امپرياليسم شوروي بود . ولي از هنگاميکه کاسترو به موشي دايان (بيکن امروزي) افريقا و کوما با اسرائيل افريقا تبديل گرديد ، خلقهاي جهان مقام کوما را در مدار شوروي و جاي کاسترو را زنايه دان تاريخ تعيين کردند .

دولت تيره کي با پايه هاي لوزان و ندانستن کوچکترين نقطه اتکاني در بين مردم که داغ رويوزيسم حتي قبل از کودتا در جينش ميگذر خشيده به چوجه قادر بر ژاندارم شدن منطقه نخواهد بود . هر چند ملتاريسم شوروي در تجهيز ان مذبوحانه تلاش ميورزد . در يك کلام دولت تيره کي و باداران خارجيش ناگزيرند بفرمان اميرانه تاريخ که خلقها خواستار آزادي اند و ملل خواهان استقلال گوش فرا دهند .

موضوع‌گیری محصلین و دانشجویان در مقابل دولت کودتا:

رقم روزنیستهای افغانی هر چند با سبق و کرنا ی روسی "ارکستر سفانی معاصر" اجرا میشود برای مردم افغانستان که از دلقه بازی ظاهرشاه و داود شاه بملطخ آمده بودند تمجیح اور است. موج مبارزات مردم - نفرت بیض از حد روشنفکران انقلابی - استعمال سلاح های شوروی برای سرکوب جنبش خلق - پناه بردن روزنیستهای بدستگاه های فرتوت ظاهرشاهی و داود شاهی برای خفه کردن صدای اعتراض مردم - دندان سپید کردن نور محمد تره کی بر بیسک کارمل و بیسک کارمل بر نور محمد تره کی بالای بقایای کیفیت سلطنت ماهیت ضد انقلابی روزنیستهای وطنی را روز تا روز در عمل ثابت کرده و بلغت رنگ باختن شان در انتظار عامه گردیده است.

دولت روزنیستهای وطنی بایادی کارشناسان روسی برای جلوگیری از تجرید شدن بیشتر خویش دست بفعالیتهای تبلیغاتی زده میخواید گرد و خات لعنت را که مردم تشارشان میکنند با تبلیغات از سر صورت ملامون خود شستشو کنند. دولت بر علاوه هیا هوئیکه در داخل کشور براه انداخته از طریق نمایندگی های سیاسی ظاهرشاه و داود شاه در خارج از کشور که اکنون در خدمت دولت ضد مردمی شان قرار گرفته مفا لاتی اشاء و به نشر میسپارند. مرزا بنویس ها و اجیران سفارت دولت در امریکا با هرزه درائی و پسر روی خاصی که فطرت انهامت توسل جسته به پخش تشراتی بی سیر و ته بنام محصلین و دانشجویان افغانی در خارج از کشور دست زده اند. این شارلتن های سیاسی باز هم میخوایند با دست جملکار خود بر محصلین - دانشجویان و روشنفکران افغانی در خارج از کشور لجن پلنیده بر انبهاجارت سیاسی کنند. تصورات کودتانه مغز علیل شان نشان دهند دست و پاچگی انها در مقابل جنبش خلق و نفرت بی پایان روشنفکران انقلابی در داخل و خارج از کشور است.

سفارت دولت ضد خلقی افغانستان در امریکا دست به پخش تشریه مبتدلی بنام "خیبر" زده و انرا "تشریه خبری محصلین و جوانان دموکرات" افغانستان وانمود کرده است. "تشریه خبری محصلین و جوانان دموکرات" تشریه کیدی که فقذیمزاج نوکران سوسیال امپریالیسم شوروی برابر است و بنظر محصلین و دانشجویان روشنفکران انقلابی و افغانهای مقیم خارج بک تشریه ارتجاعی و ایتمه بدولت ارتجاعی افغانستان است. محصلین و دانشجویان افغانی در خارج از کشور دیر زمانی است بغضای سیاسی روزنیستهای وطنی و درت کودتانه شان از مسائل اشناهی دارند.

در پی فراگسی نثره مبتذل "خیبر" بصراحت نشان میدهد که گردانندگان آن اجیران ^{دولت} سفارت ضد خلقی افغانستان در امریکا بوده و جز بازگو کردن لا طائلات اربابان شان در داخل کشور چیزی بیفتد نماندند. کارگردانان دولت ضد مردمی افغانستان در حالیکه شکست قطعی خود را در سپاسی تئوریت - سیاسی بین محصلین و دانشجویان و سائس افشار خلقی در ن کرده اند "خیبر" را برای شتمشودادن خود که گویا در بین محصلین و دانشجویان افغانی در خارج از کشور جا دارند به نثر سپرده تا اثر باشابه علامت تا میسد دو لست خویش برخ خلق افغانستان و جهانیان یکساند. غافل ازینکه محصلین و دانشجویان رزمنده افغانستان در خارج از کشور همانند پدران، برادران خواهران و مادران ستمدیده خود که زیر چکمه های روبروینیم بسر میسرنده با قلبهای آگسده از خشم نفرت بر ضد نثره - بیبرک این نوکران سوسیال امپریالیسم روس جارزه میکنند محصلین و دانشجویان افغانستان خواستار خونیهای هر قطره خون پاک هزاران فرزند شهید کشور خود استند که با شیریه جان مادران ستمدیده وطن بزرگ و بیهموده در راه کودتا و کودتا بازی امپریالیست ها و سوسیال امپریالیستها روسی ریخته شده میباشند.

محصلین و دانشجویان دلیر افغانستان در خارج رسالت تاریخی خود را در برابر تاریخ و وطن و مردم خویش درک کردیم هیچ نیروی اجازه نخواهند داد بر آنها تجارت سیاسی کرده و مواضع شان را به لوت کنند. محصلین و دانشجویان وطنپرست افغانستان برای دفاع از اندیشه های ملی و انقلابی خویش توطئه های دولت ارتجاعی افغانستان را افشا کرده، سدا، بلند اعتراض خود را بر ضد هر دو ابر قدرت و نوکران داخلی شان، دارودسته های تره ک - بیبرک و "اخوان المسلمین" بکش خلقهای جهان و خلق رزمنده کشور خویش میسرنده. مبارزات محصلین و دانشجویان افغانستان بخش تفکیت نا پذیر مبارزات مردم بوده و با جنبش خلق در راه سرنگونی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم پیوند ناگسستنی و ارگانیک دارد.

مرتجعین و اپورتونیستهای رنگارنگ در هر فرصت کوشیده اند توده های مبارز افغانستان را از فرزندان سان جدا کرده، بشیوه های تفرقه انداز و حکومت کن بعممر ننگین خود ادامه داده اند. دولت ظالم - پادشاه و چاکرانش، اخوان الشیاطین، با صدور حکم تکفیر انقلابیون و تبلیغات ارتجاعی شان کوشیده اند بین مردم و فرزندان شان فاصله ایجاد کنند تا ملطه شوم امریکا و ارتجاع غرب را در افغانستان حمایه کنند. دارودسته تره ک - بیبرک نیز این شمشیر فرسوده را با صیقل روبروینیم جلا داده محصلین و دانشجویان را هوا خواه و وابسته بخود نشان میدهند تا در جنبش ریخته کرده بین خلق و فرزندان شان تفرقه اندازند. دولت ضد انقلابی میکوشد و انمود سازد

که محملین و دانشجویان افغانی با اعمال خائنانه اش موافقت دارند . در حالیکه واقعیت درست عکس تبلیغات خائنانه آنها بوده ، محملین و دانشجویان سرکوب و خبیانه مردم شریف افغانستان را که توسط ارتش ارتجاعی دولت با سلاحها و کارگزاری کارشناسان نظامی روسی صورت میگیرد جدا تقبیح نموده بر ضد اعمال فاشیستی شان مبارزه میکنند .

محملین و دانشجویان انقلابی کشور از اولین روز های ایستن روز و نیز در افغانستان انرا از درون جنبش انقلابی مردم مقصد و علیه ان مبارزه کرده اند . سیاسی تئوریک - سیاسی و ایدئولوژیک شانرا که از زراد خانه خورشید این ملعون تاریخ منشا میگیرد بر ملا ساختند . شمله مبارزات روشنفکران انقلابی اصالت خروشی روزیونیتها ی افغانی را در هر کجائی که خواسته اند در صوف جنبش انقلابی لانه سازند افشا کرده است .

دارودسته تره ت - بیبرک بس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ خود را بر خلق افغانستان تحمیل و با شعبده بازی سیاسی در پی جلب توجه خلق بپا خاسته کشور بر آمدند . استاد شعبده باز گلوله های نفیل خارج از تصور را از دهن بیرون میریزد و سر رشته کلفذ الوان بدست شاگرد میدهد تا انجائیکه تماشاچی خواسته باشد از حلقم استاد کشیده شود و زمانی هم طبل و نی سر میدهد تا قدرت افسون خود را نمایش دهد . شاگرد که در عطف رسیدن ب مقام استاد است در حقایقیت افسون استاد سر میچنانده اه میکند و نجوا میکند . ولی هنگامیکه استاد سخت سرگرم هنر نمائی است ، بگله جنبانی ه اه و عطش ناله و نجوا شاگرد کم توجه میکند کاسه صبر شاگرد لبریز میشود گستاخانه با استاد حمله کرده چلنج قوت افسون میدهد . استاد خشمگین شده در ادر شاگرد خط میکشد ، قصیده میخواند ، بکرامات پیرو اولیای خود رجوع میکند و در انتظار رسیدن کرامات چشم با سمان شمال میدوزد . هنوز لحظه ای نمیگذرد که شاگرد گستاخ شروع بزدن و سر و صورت میکند و وجودش با رتمانش سرگ می اید . شاگرد به عنایت او تسلیم و با عذر و نیاز دستهایش را میبوسد . استاد از عذاب و تعذیب بیشتر شاگرد منصرف و او را با خراج از صحنه نمایش تنبیه میکند . استاد با چهره موفق نمایش را گرم و گرم تر جلوه میدهد تا در ازلی کراماتش حق نمایش بیشتری نصیب گردد . مردم قبل از مقدمه گویی استاد شعبده باز برای جمع آوری حق نمایش صحنه را ترک و بر ریش این صحنه سازان میخندند .

خلق دلیر افغانستان در حالیکه وابستگی کامل دولت ضد انقلابی افغانستان را درت کرده اند نجلفانه در گیر مبارزات رو در روی بان میانند . محملین ، دانشجویان و افغانهای خارج از کشور برلی دفاع از مواضع انقلابی و ملی خویش در تاجید مبارزات مردم ماهیت قلبی دارودسته تره ت - بیبرک را با تاریخچه و ضفر و نسی ، سازشکاری و ضد انقلابی بودن شان افشا میکنند .

خلق شریف افغانان با درت ماهیت چاکر منشانه دارودسته تره ت - بېرک سترن جازراتي خود را فراموش نکرده بمقاومت هميشگي خوبش ادامه داده اند. اين مقاومت در مقابل استثمار اقتصادي، فرهنگي و مداخلات سياسي نظامي روس پيش از بيش شدت يافته و تا قطع کامل نفوذ سوسيال امپرياليسم شوروي و امپرياليستهای امريکايي ادامه خواهد داشت. روشنفکران شريفسي که تا ديروز کودتای تره ت - بېرک فريب شان را خورده بودند پس از کودتا و پيشت گستاندن روزونيستها ب مردم از آنها بریده برای مبارزه بر ضد روسها و نوکران داخله. شان در صف مردم پيوسته و ميپوندند. روشنفکران انقلابي مجدانه کوشاست تلاش های شيادانسه " اخوان المسلمین" را که ميخواهد رهبری جنبش خلق را بسود امپرياليسم امريکا و ارتجاع غرب بهمکاری ريزه خواران خيوان ضاهرشاه و داد شاه بدست گيرند افشا و نقش بر آب سازند. محصلين و دانشجويان انقلابي در حالیکه مبارزات خلق بر ضد سوسيال امپرياليسم شوروي را بنظر قدر نگرسته ماهيت بانداخوان الشياطين، اين جاسوس های امريکايي را که با تباي روحانيت و دفاع از روحانيت خود را پوشانده اند، افشا ميکند. اخوان الشياطين که مزرانسه ميخواهد در بين جنبش مردم نفوذ و جازرات انقلابي نوده ها و روحانيون مشرقي افغانستان را به لسوت کشانده دشمنان خلق و جنبش افغانستان اند که در کينه توري با خلق افغانستان از دارو دسته تره ت - بېرک هيچ دست کمي ندارند. خلق افغانستان برای رسيدن بازادی يعني راندن سوسيال امپرياليسم شوروي و ترد امپرياليسم امريکا و ضرب از افغانستان بپا خاسته اند و در راه بدست آوردن اين ارمان والای خوش شهيدان بيشماري داده اند که يقينا خون سرخ شان بباراور کردن درخست آزادی افغانستان و رواندن لاله های رنگين آزادی خواهد انجاميد.

کارگران، دهقانان، روشنفکران و روحانيون مشرقي با هم متحد شويد - دست تجاوزکاران روسي را از افغانستان کجاء و توطئه های امپرياليسم امريکا را افشا کييد !
 دارو دسته تره ت - بېرک را سرتگون و اخوان الشياطين را از صفوف خود ترد کييد !

به پيش بسوی افغانستان آزاد، آباد و مستقل!
 مردم افغانستان خواستار اخراج فوري روسها از افغانستان
 است
 دست تجاوزکاران روسي از افغانستان کوتاه!